

عنوان مقاله:

بازخوانی توماس هابز در روابط بین الملل: واقع گرا یا خردگرا؟

محل انتشار:

دوفصلنامه سیاست و روابط بین الملل، دوره 4، شماره 8 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

محمد جواد رنجکش - عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

سعیده سادات گرامیان - عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور مشهد

خلاصه مقاله:

عموما در دیرینه شناسی نظریه یا مکتب رئالیسم، به هابز، ماکیاول یا در متون کلاسیک به کاتیلیای هندی، مکتب شون دزو در چین و در آراء اسلامی به ابن مقفع استناد می شود. ضرورت طرح چنین آرائی و اندیشه هایی را می توان در ضروریات دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ در پی وقوع دو جنگ بزرگ جهانی جستجو کرد. آن زمان که در پی، ناکامی اندیشه های آرمانگرایانه در جلوگیری از جنگ ه ا و منازعات، نیاز محافل آکادمیک به دیدگاهی نوین و مبتنی بر واقعیت ها احساس میشد. این مقاله در تلاش است تا با بازخوانی آثار متعدد توماس هابز، تفاسیر واقع گرایانه از توماس هابز را اصلاح کند. این بدان معنی است که هابز به آن اندازه که غالبا تصور میشود به درک واقع گرایانه از روابط بین الملل، نزدیک نیست. با توجه به تصور هابز از انسان و وضعیت طبیعی، شکل گیری لویاتان و قانون طبیعت، می توان استدلال نمود که درک هابز از روابط بین الملل همیشه هم تعارض آمیز نبوده و امکان تنظیم منافع متناقض وجود دارد؛ تفسیری که منجر به امکان اتحاد و همکاری در روابط بین الملل می شود. انگاره این نوشتار آن است که برابند نوشتارهای هابز حاکی از آن است که هابز نه صرفا رئالیست، که خردگرا نیز می باشد. روش این نوشتار مبتنی بر روش اسنادی و کتابخانه ای و تحلیل متن می باشد.

کلمات کلیدی:

هابز، دولت، رئالیسم، خردگرایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1419642>

